

مؤلفه‌های نظام‌سازی حقوقی در منظومه فکری استاد جعفری لنگرودی

ابراهیم موسی‌زاده^۱

غلاممسین الهام^۲

چکیده:

آنانی بر «تارک علم» گام نهادند که در حیات علمی خویش، دائم در تکاپوی تأسیس منظومه فکری به-سر بردند. منظومه فکری استاد جعفری لنگرودی که محصول تجارب بالغ بر هشتاد سال تحقیق، تألیف و قضاوت و تعلیم حقوق در دانشگاه است از ابعاد متعدد قابل توجه است. ایشان از معدود شخصیت‌های علمی و حقوقی است که در بازطراحی و مهندسی نظام حقوقی ایران از پای نشستند. وی از «درس توحید» آغاز و وارد «اصول فلسفی حقوق» شد و بالغ بر پنجاه اثر علمی را به رشته تحریر درآورده است؛ هنگامی که زمانه او را به «دیوار غربت» کشاند، هجر و کهولت سن و رهایی از تکالیف روزمره دانشگاهی، خللی در اراده او وارد نکرد و همچنان در کنار تولید آثار مربوط به «فلسفه فرهنگ اسلام» و سخن گفتن از «راز بقای ایران» به تکمیل نظام حقوقی ایران همت گماشت تا با لرائه نزدیک به یکصد عنوان اثر علمی، آخرین چرخ‌دنده‌های نظام حقوقی خویش را خلق نماید. نظام حقوقی طراحی شده توسط استاد جعفری لنگرودی، به مثابه نخ تسبیح، مفاهیمی را به عنوان مؤلفه‌های نظام حقوقی ایران به خود آراسته است که «عقلانیت»، «نگاه به آینده»، «جامعیت»، «عدالت خواهی» و «اجتهاد حقوقی» از جمله آن‌هاست.

کلیدواژه: استاد جعفری لنگرودی، نوآوری، عدالت، اصالت حقوقی، نظام‌سازی حقوقی.

در انحطاط یا پیشرفت هر کشوری عوامل بسیاری دخیل هستند که مطالعه نظام‌مند هریک از این عوامل ما را در شناخت موقعیت خویش بهتر یاری می‌کند. یکی از عوامل تأثیرگذار در توسعه و پیشرفت هر کشوری نظام حقوقی منسجم و کارآمد است. مهم‌ترین فایده نظام حقوقی منسجم این است که بسترها، زمینه‌ها و عملکرد دولت‌ها، نظریه پردازان و قانون‌گذاران را مورد توجه و تحلیل قرار می‌دهد و با توجه به مقتضیات و اوضاع و احوال هر عصر و دوره‌ای شیوه درست داوری، اجرا و تفسیر قوانین را می‌آموزد و از این طریق مسیر روشنی را پیش‌رو می‌گذارد.

می‌توان با طراحی صحیح نظام حقوقی و تحلیل دقیق یک نظام فکری، قواعدی را به دست آورد و آن‌ها را به اقتضای زمانه در راستای کارآمدی نظام حقوقی به کار بست و نتایج آن‌ها را برای آیندگان هم تعمیم داد و دانش حقوق را که روی پدیده‌های روابط اجتماعی کار می‌کند غنای بیشتری بخشید و در تبیین چگونگی شکل‌گیری قوانین و نشو و نمو آن و تحولات آن از داده‌های آن قواعد حاکم بر نظام حقوقی بهره جست.

استاد جعفری لنگرودی با خلق نزدیک به یکصد اثر علمی در حوزه دانش حقوق و مبانی مرتبط با آن، برای ساختن طرحی که در اندیشه منظومه‌ای خود از آن برخوردار است، گوی سبقت را از همگان ربوده است و در این راستا چه در ایام حضور در وطن و چه در دوران «هجرت» و «غربت» از قلم زدن و ارائه مبانی و ساختار نظام فکری خویش آنی توقف نکرده است. آثار وزین و فاخر وی حکایت از یک نظام عمیق فکری در حوزه حقوق و مبانی آن دارد. او تاریخ معتزله را بهانه قرار می‌دهد تا جایگاه «عقل» را در سامانه نظام حقوقی ایران مشخص نماید و برای باروری آن در مسیر استنباط حقوقی ابزارهای نوینی را پیش‌رو می‌نهد همان‌سان که موضوع‌شناسی و تبیین احکام مسائل حقوقی را مستمسکی قرار می‌دهد تا «عقل» را به فراخور مباحث به بهترین وجه نشان دهد و مهمتر از همه اینکه از تبیین جایگاه عقل و نقل در استنباط احکام حقوقی، از نوآوری نمی‌هراسد. بر این اساس می‌توان ادعا نمود که استاد جعفری لنگرودی با توجه به حجم آثار و عمق علمی، در عرصه دانش حقوقی ایران به تنهایی یک شخصیتی است که بی‌آنکه از خزائن دولتی بهره‌ای ببرد، دستاوردهای مهمی را برای نظام حقوقی ایران به ارمغان آورده است.

نکته مهمی که این نوشتار در پی آن است، اینکه مؤلفه‌ها و عناصر نظام‌سازی حقوقی استاد جعفری لنگرودی کدامند و او در طراحی نظام حقوقی خویش بر کدامین اصول و مبانی تکیه دارد؟ این نوشتار با فرض اینکه تمامی آثار او از یک ایده و نظام واحد حکایت دارند با روش توصیفی - استنادی

به دنبال معرفی اهم مؤلفه‌های حاکم بر نظام حقوقی استاد جعفری لنگرودی می‌باشد که در ادامه به برخی از مهم‌ترین اصول و مؤلفه‌ها که در طراحی و ساخت نظام حقوقی مندرج در آثار استاد نمود بیشتری دارند پرداخته می‌شود.

۱- ابتدا بر مبانی تاریخی

استاد جعفری لنگرودی برای طراحی نظام حقوقی و تفسیر قوانین حقوقی، توجه به مبانی تاریخی حقوق را امری ضروری می‌داند و تأثیر تاریخ حقوق بر شکل‌گیری نظام حقوقی حاکم را از جمله موضوعاتی می‌داند که نیازی به بیان آن نیست. چرا که پژوهشگر حقوق می‌خواهد با بصیرت کامل برنامه سودمندی برای ملت و کشور خود تنظیم و به این وسیله تقدم، ترقی و سعادت آنان را پیش‌بینی نماید.

روشن شدن جلوه‌های حقوق گذشته و دلایل پیروزی‌ها و ناکامی‌های آن می‌تواند درسی باشد برای اندیشه‌وران و حکومتگران و همه علاقمندان به حقوق امروز، تا راه آینده را روشن نگه دارند و از عوامل پیروزی، متناسب با مقتضیات روزگار خود استقبال کنند و برای پرهیز از مسائلی که موجب شکست شده است چاره‌ای بیندیشند.

استاد جعفری لنگرودی معتقد است که «اولین سنگ بنای شخصیت هر ملت از زوایای تاریخ آن استخراج می‌شود و در میان رشته‌های مختلف تاریخ، تاریخ حقوق یک ملت والاترین مقام را داراست زیرا قسمت اعظم ضرورت‌های زندگی اجتماعی در فصول قانونی، مقامی را اشغال کرده‌اند، داشتن تصور درست از زندگی اقوام و ملت‌ها بدون ادراک وضع حیات قضائی آنان امکان ندارد. تاریخی که بدون منظور داشتن اصول مشخصات زندگی قضائی ملل نوشته شود چیزی جز یک‌مشت مفاهیم تجرید شده نیست»^۱

از منظر استاد جعفری لنگرودی دوره «انقراض ساسانیان تا مشروطه» مهم‌ترین، طولانی‌ترین و غنی‌ترین دوره از دوره‌های تاریخ حقوق ما است. در این چهارده قرن یک حقوق ورزیده و وسیع به روابط قضائی و ملل مشابه حکومت نمود... فکر ایرانی در ذخایر حقوق اسلامی اصالتاً سهیم است و از چنین ذخایر عظیم گذشتن خطا است.^۲

او در فایده و ثمره مترتب بر توجه به مبانی تاریخی حقوق به ویژه حقوق دوره وسطی (ساسانیان تا مشروطه) معتقدند که هرگاه سابقه و لاحقۀ آن دوره را منظور بداریم، این امر تحول حقوق ما را نشان می‌دهد. بنابراین؛ در مسیر تحول حقوق ملت ما، دوره وسطی قرار دارد و ما از مطالعه آن ناگزیریم.^۳

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، اصول فلسفی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۳۱، ص ۳.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۷.

علی‌رغم اهمیت زایدالوصفی که استاد جعفری لنگرودی برای تاریخ حقوق قائل است و نظام حقوقی گذشته را با تحلیلی دقیق و موشکافانه ارائه می‌کند، اما هیچ‌وقت دچار آفت و آسیب «ماندن در تاریخ» نمی‌شود و معتقد است که «گذشته برای من وسیله بود نه هدف، طریقت داشت نه موضوعیت»^۱.

از نظر استاد جعفری لنگرودی، هرچند عبرت‌آموزی به عنوان مهم‌ترین فایده تاریخ حقوق معرفی می‌گردد و تاریخ حقوق، به عنوان چراغ راه آینده تلقی می‌شود، لکن از نظر او می‌توان فواید مطالعات تاریخ حقوق را عام‌تر نگریست و مواردی چون؛ نگاه به واقعیت‌ها، پیش‌بینی آینده، تفاهم و هم‌گرایی جهانی، طراحی نظام حقوقی، نگاه به آینده و آینده‌پژوهی را به عنوان دغدغه‌های پژوهشگر حقوق برشمرد. لذا شناخت فرهنگ، تمدن و پیش‌بینی آینده برای وضع قوانین مطلوب و مفید با در نظر گرفتن واقعیت‌ها و جریان‌های واقعی، یکی از مهمترین مؤلفه‌های قابل مشاهده در منظومه فکری استاد جعفری لنگرودی می‌باشد. وی در این خصوص معتقد است که در مواردی برای دستیابی به اهداف بالاتر باید از یک جبر علمی پیروی کرد و از میزان نگرش‌های صرفاً تاریخی حقوق به مقدار معقول فرو کاست و از جریان‌های واقعی که در کشورهای پیشرفته وجود دارد نیز درس گرفت.^۲

بر این اساس، وی در جمع میان نگاه تاریخی و آینده‌پژوهی و ایجاد تعادل میان واقعیت‌ها، هست‌ها و بایدها به نوآوری‌هایی دست می‌زند که آن‌ها را تحت عنوان «ویژه‌کاری‌ها» می‌توان در آثار علمی و اندیشه‌ای او ملاحظه کرد که برخی از مهمترین آن‌ها عبارتند از:

الف- به کار بستن روش تطبیقی در طراحی نظام حقوقی

ب- تحقیق در پدیده‌های حقوق از راه شناسایی و گردآوری عناصر سازنده هر پدیده حقوقی

ج- ارائه تعریف و معرفی پدیده‌های حقوقی

د- مقایسه و سنجش میان پدیده‌ها

ه- نخست‌آوری‌ها: یعنی مباحثی که از سیستم‌های حقوقی دیگر برای نخستین بار به زبان فارسی برگردانده می‌شود و در تولید ادبیات حقوق ایران ایفای نقش می‌نماید.^۳

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت: حقوق تعهدات، عقود و ایقاعات، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۸، ص ۶.

۲. همان، ص ۵.

۳. همو، حقوق اموال، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۳، ص ۵.



یکی از مهمترین و شاید شاخص‌ترین مؤلفه منظومه فکری و اندیشه‌های استاد جعفری لنگرودی توجه به اصالت حقوق اسلامی می‌باشد که این موضوع به راحتی و بدون هیچ گونه استثنا در تمامی آثار استاد قابل ملاحظه است. تا جایی که در یکی از آثار خویش می‌گوید: «مهم‌ترین اختراع در حقوق و فقه؛ حکم و موضوع است... جالب این که از این گونه مطالب در هیچ دانشکده حقوق ممالک جهان خبری نیست و در تألیفات غیر فقهی ردپایی از آن دیده نمی‌شود... به ظن قوی و بلکه به یقین، مدارس اسلامی در مشرق زمین آن را پدید آورده‌اند و هنوز هم امتیاز آن در انحصار مستخرجه‌های همان مدارس است»^۱ و در فرازی دیگر چنین می‌نویسد: «صیانت اندیشه مردمان مرز و بوم ما، مرا بر آن داشت که به بهانه حقوق تطبیقی (به حق یا به تظاهر به فضل)^۲ از حقوق خارجی چیزی وام نکنم و علم عناصرشناسی را مستقل از فرهنگ خارجی پایه‌گذاری کنم»^۳.

استاد جعفری لنگرودی معتقد است که منشأ حق، خداوند است و در قوانین موضوعه حق حاکمیت، ناشی از خداوند است^۴ و سرچشمه اصلی حقوق اسلام قرآن است^۵ و فطرت، اجتماع و دولت جدا از این منشأ حق نمی‌باشند و این چهار تا، چهار سطح از یک جسم‌اند، چرا که فطرت آدمی بدون وجود انسان در زندگی اجتماعی و تشکیل دولت ممکن نیست و همه این چهار نظریه از یک واقعیت برمی‌خیزد^۶. بر این اساس، حقوق اسلام به کلی از آنچه که در عصر ما «حقوق لائیک» خوانده می‌شود به دور است که آن در قید شرع نیست و سخن آن، از نوع دیگر است.^۷ در حقوق اسلام، در هم بودن مسائل ایندولوژیک با مسائل راجع به زندگی قضائی انسان خاکی و نیز رنگ‌های تاریخی و عقیده‌های گوناگون، شکل خاصی به این سیستم حقوقی بخشیده است و بدیهی است که اگر کسی مبانی حقوق اسلام را نداند، دید درستی از حقوق اسلام نخواهد داشت و باید حقوق اسلام را حداقل از پنج بعد مطالعه کرد:

الف- مطالعه از راه علم اصول

ب- مطالعه از راه قواعد فقه

۱. همو، فرهنگ عناصرشناسی، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۲، ص ۵۷۷.

۲. این عبارت نشان از تواضع علمی او دارد.

۳. همان، ص ۱۸.

۴. همو، تاریخ حقوق ایران، کفون معرفت، پیشین، ص ۱۸.

۵. همو، دائرة المعارف حقوقی، ج ۱، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶، ص ۲۱.

۶. همو، مقدمه عمومی علم حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۲، ص ۱۷.

۷. همو، الفارق، ج ۵، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۴، ص ۵.

ج- مطالعه از راه فقه

د- مطالعه از راه تاریخ فقها

ه- مطالعه از راه مکتب‌های فقهی^۱

استاد جعفری لنگرودی با اعتقاد به رابطه وثیق حقوق با اخلاق و عدم تفکیک میان فقه و حقوق در نظام حقوقی اسلام، بیان می‌دارد که در حقوق اسلام، اخلاق کلاً وارد قلمرو فقه شده است و حقوق اسلام هیچ وقت از اخلاق جدا نیست. هدف حقوق اسلام این است که ضمن مباحث حقوقی در رابطه با زندگی قضائی، اخلاق را بین مردم استوار سازد؛ چرا که تعقیب هدف‌های اخلاقی در حقوق اسلامی، بزرگترین نتایج معاش و زندگی را به دست داده است.^۲

۴- عقلانیت

استاد جعفری لنگرودی با اصالت قائل شدن به حقوق اسلام و سیر در مبانی، منابع، مفاد و احکام نظام حقوقی اسلام و همزمان به منظور اجتناب از آفات این سیر و سیاحت که از آن جمله می‌توان به لفظ-گرائی، جمود و اخباری‌گری اشاره داشت^۳، عقلانیت را به عنوان یکی از عناصر اساسی نظام حقوقی اسلامی به شمار آورده و برای آن جایگاهی بس والا قائل می‌شود. او معتقد است که «آدمی از چنگ عقل‌رهایی نمی‌یابد. به حکم اجبار و نهاد خود وابسته به عقل است. فراخواندن به تعقل و کاربرد خرد را می‌توان اصلی از اصول قرآن شمرد. تا آنجا که قرآن تعقل مسائل عمده را منحصرأ در شأن دانایان و آگاهان دانسته است و بین عقل و علم رابطه برقرار کرده است و در حقوق اسلام، دلیل عقل را یکی از منابع چهارگانه حقوق شمرده‌اند و از آنجا که عقل در پاره‌ای از قوانین، تأثیر مستقیم دارد، نیروی الزامی عقل، مشهود و روشن است و راهی برای انکار این اندیشه در دست نیست»^۴.

استاد جعفری لنگرودی، عقلانیت را یک استدلال عقلی محض دانسته و معتقد است که این استدلال محض، حتی بر پایه حسن و قبح قرار ندارد و حسن و قبح در کار قانون‌گذاری، همان مسئله دخالت دادن مصالح و مفاسد است و قوانینی که از راه کاربرد مسئله حسن و قبح به دست می‌آید، جزء مستقلات عقلیه است و استدلال محض عقلی چیزی غیر از مستقلات عقلی است، مثلاً وقتی که مسئله تبعیض نژادی مطرح می‌شود عقل با هرگونه تبعیض نژادی و غیرنژادی به مخالفت بر می‌خیزد و آن را رد می‌کند؛ زیرا

۱. همو، مکتب‌های حقوقی در حقوق اسلام، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۲، دیباچه.

۲. همو، مقدمه عمومی علم حقوق، پیشین، ص ۲۰ و ۲۱.

۳. همان، ص ۷۴ و ۷۵.

۴. همان، ص ۳۲.

ترجیح بدون مرجح را صرفنظر از هر نوع اندیشه دیگر مانند حسن و قبح امور، محال می‌داند و این یک استدلال عقلی محض است که حتی بر پایه حسن و قبح نیز قرار ندارد.^۱ او معتقد است که مشکل سکوت، ابهام و اجمال قانون، فقط با قیاس حل نمی‌شود و در موارد سکوت قانون چاره‌ای جز استفاده از عقل و مصلحت‌اندیشی و علم نیست.^۲ لذا معتقد است که برای «صیانت از این ارزش کارهای بسیار صورت داده‌ام مانند:

- احتراز از استدلال‌های لفظی
- اجتناب از موهومات
- پرهیز از ضعف تمثیل
- استقرای تام (شروع از جزئیات تا رسیدن به کلیات)
- تدوین مالم یدون
- اصالت تعقل^۳

۵- اجتهاد حقوقی و جامعیت

منظومه فکری استاد جعفری لنگرودی و آثار برآمده از آن و نظام حقوقی مبتنی بر آن‌ها، محصول تجارب بالغ بر هشتاد سال تألیف از جوانی تا پیری و حاصل تحصیل علوم حوزوی و دانشگاهی و کار قضا و تعلیم حقوق در دانشگاه‌ها است. به‌نحوی که از اوایل دهه سی شمسی، دست به گردآوری و تحقیق در اصطلاحات فقه و حقوق زده است^۴ و حتی در ایام کهولت که اشتغال به علم حقوق را مناسب نمی‌دانست و آن را مانع مراقبت و سیر الی الله می‌دید اما به محض احساس تکلیف ناشی از مطالعه دوره کامل کتاب «تهذیب اللغة» هروی، مصمم به ادامه اجتهاد حقوقی می‌شود و با خلق تألیفات جامع، بر جامعیت نظام حقوقی خویش می‌افزاید. به هر حال از نظر وی، کار علم و تحقیق، زمان نمی‌شناسد^۵ که همه این‌ها، عمق آثار و تحقیقات او را نمایان می‌سازد و اینجاست که این عبارت بر او کاملاً مصداق پیدا می‌کند که: «مردان محقق، ارکان استقلال ملت‌اند»^۶. به هر حال، مهم‌ترین برآیند این همه تجارب علمی، اجتهاد حقوقی و جامعیت آثار او است.

۱. همان، ص ۳۳.

۲. همان، ص ۲۸.

۳. همو، الفارق، ج ۴، پیشین، ص ۵.

۴. همو، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، پیشین، ص ۲.

۵. همان، ص ۴.

۶. همو، حقوق مننی وصیت، پیشین، ص ۳.

استاد جعفری لنگرودی معتقد است، وصول به اجتهاد حقوقی که از جهاد هم دشوارتر است، مبتنی بر اصول و روش‌هایی است که از جمله عبارتند از:

- مطالعه در قواعد عدل و انصاف
- مطالعه در قواعد بدیهی عقل
- مطالعه در مصالح اجتماعی و فردی
- تجزیه و تحلیل عرف و عادت.^۱

و بر این اساس معتقد است که برای تحقق عدالت و اهداف نظام حقوقی، قاضی باید مجتهد باشد و به اجتهاد حقوقی برسد.^۲ نیز معتقد است که باید با در نظر گرفتن «اصالت عمل» و «اصالت حکم» فاصله‌ها را از واقعیت کمتر کنیم^۳ و ضمن اینکه به روانشناسی حقوقی تجهیز می‌شویم^۴، باید با دوری از تجریدگرایی^۵، در قبال فلسفه قدیم نیز موضع‌گیری محتاطانه داشته باشیم، چرا که آن فلسفه خیال منظم است و خیال فلسفه نامنظم^۶. او در اجتهاد حقوقی معتقد است که باید با قوه اجتهاد میان مسائل تفکیک قائل شد و مسائلی را که از فقه و حقوق نیست تفکیک نمود^۷. همچنین معتقد است در بستر اجتهاد حقوقی، نردبان فهم مسائل حقوقی، ادراک صحیح اصطلاحات آن است و هر اصطلاحی دری است به سوی هزاران مسئله حقوقی^۸ و معتقد است که از جمله آفت‌های اجتهاد حقوقی، التقاط است که التقاط امری است ضایع و عمری است ضایع و طرح سالم، خلاق و هنر آفرین است.^۹

استاد جعفری لنگرودی در تبیین جامعیت حقوق معتقد است که: فکر حقوق شامل دو بخش است: بخش ماده فکر و بخش صورت فکر. که برای اجتهاد در هر دو بعد و فهم صورت فکر و صورت‌نگری فکر حقوقی باید راه‌حل‌های حقوقی را شناخت و ضمن ترک جانبداری و التزام به بی‌طرفی، توانایی استنباط مطالب حقوقی را از عرف و عادت به دست آورد.^{۱۰}

۱. همو، تأثیر اراده در حقوق مننی، پیشین، ص ۶.

۲. همو، دانشنامه حقوقی، ج ۱، پیشین، ص ۷.

۳. همو، فلسفه حقوق مننی، پیشین، صص ۳۰۶-۳۱۳.

۴. همان، ص ۳۲۴.

۵. همو، دائرة المعارف حقوقی، ج ۱، پیشین، ص ۳۱.

۶. همو، فلسفه حقوق مننی، پیشین، ص ۳۲۶.

۷. همو، دائرة المعارف حقوقی، ج ۱، پیشین، ص ۱۲.

۸. همو، ترمینولوژی حقوق، پیشین، ص د.

۹. همو، مجموعه محشی حقوق مننی، پیشین، ص ۶۷۱.

۱۰. همو، حقوق مننی، رهن صلح، پیشین، ص الف.

او معتقد است برای تحقق جامعیت باید رنج‌ها برد آن‌چنان که «در تطبیق مفاهیم فقهی با مفاهیم حقوق جدید ایران رنج فراوان برده شد. مقایسه دو تأسیس حقوقی از دو سیستم حقوقی از کارهای دشوار است. مقایسه دو تأسیس حقوقی را بعضی تبدیل اصطلاح به اصطلاح می‌گویند. آشکار است که این گفته از اهل اصطلاح نیست»^۱

استاد جعفری لنگرودی برای تحقق جامعیت حقوق توجه به بسترها و مبانی حقوق را لازم می‌شمارد که خلق آثاری در زمینه اسلام‌شناسی و فلسفه فرهنگ اسلام در همین راستا است. وی در این خصوص در فرازی می‌نویسد: «در سکوت نیمه‌های شب که در این دیار [انگلستان] همه در خوابند چراغ خانه من می‌سوزد و به دائرةالمعارف قرآن می‌اندیشم که تا گامی در راه اعتلای فرهنگ اسلام و ایران برداشته باشم هرچند که از کسی چیزی نمی‌گیرم... این کتاب [تاریخ معتزله] فصلی از اسلام‌شناسی است که همراه با مطالعات تاریخی و نگرش‌های فلسفی در رابطه با علوم قرآن و تفسیر قرآن است... برای یک اسلام شناس ضرورت دارد که قرآن را بشناسد نه مانند خاورشناسی که بدون شناخت قرآن می‌خواهد اسلام شناس باشد»^۲.

لازم به یادآوری است که وی ضمن پایبندی و التزام سخت به اجتهاد حقوقی و جامعیت آثار، در تولید آثار از عبارت پردازی‌ها و تفنن‌های ادبی پرهیز می‌کند. او معتقد است که در استعمال اصطلاح حقوقی نه افراط خوب است و نه تفریط. هم باید ساده نوشت هم باید با اصطلاحات این فن آشنا بود. ساده‌نویسی ما را از دانستن و به کار بردن اصطلاحات، بی‌نیاز نمی‌کند و دانستن اصطلاحات مانع ساده‌نویسی نمی‌شود.^۳

۶- عدالت‌خواهی

اگر عدالت و عدالت‌خواهی را شاه کلید مبانی و مسائل دانش و نظام حقوقی بدانیم باید اعتراف کرد که این مبنا به نحو بسیار روشن و مشخص در منظومه فکری استاد جعفری لنگرودی قابل لمس و رویت است. او معتقد است که علم حقوق، علم عدالت است و دارای قواعد و اصول بسیار وسیع است.^۴ وی با این عبارت می‌خواهد بگوید که عدالت تا زمانی که مبتنی بر قواعد، اصول و قوانین مشخص نباشد قابل فهم نخواهد بود و برای اینکه مانع از تمسک جاهلانه به مفهوم «عدالت» شویم باید آن را در پرتو قواعد، اصول و قوانین تفسیر کنیم و حد و مرز عدالت را با این اصول و قواعد مشخص نماییم تا مصادیق

۱. همو، ترمینولوژی حقوق، پیشین، ص ۵.

۲. همو، تاریخ معتزله، فلسفه فرهنگ اسلام، پیشین، صص ۳ و ۵.

۳. همو، ترمینولوژی حقوق، پیشین، ص و.

۴. همان.



عدالت مشخص شود.

عدالت به حدی در نظام حقوقی استاد جعفری لنگرودی دارای جایگاه و اهمیت است که معتقد است که عمر گرانمایه باید صرف عدالت بشود. عدالت در عصر پیشرفت دانش، گوهر نایابی است که دست هر آفریده‌ای به آن نمی‌رسد. عدالت مرغی وحشی است که اگر از بامی برخاست به آسانی بر آن بام نخواهد نشست. عدالت روح قولتین است و اگر عدالت نباشد جسم بی‌جانی بیش در پیش نخواهد بود. نهایت دقت در فهم قانون، اگر منهای عدالت صورت بگیرد در حکم مومیایی کردن مردگان است.^۱

از منظر استاد جعفری لنگرودی دادرسی و عدالت‌پیشگی عین عبادت و پرستش خدا است تا آنجا که گفته شده: عدل ساعة خیر من عبادة سنة.

در پرتو چنین اندیشه‌هایی است که استاد جعفری لنگرودی، احترام به مکاتب، دانش و خدمت در صلح جهانی و تفاهم ملتها را از مصادیق عدالت می‌شمارد. درست در همین راستا است که او در احترام به فقه اسلامی، ضمن استناد متعدد به فقه دو مکتب امامیه و جمهور، معتقد است که این دو فقه مانند دو خویشاوند هزار و چهارصد ساله‌اند.^۲ و یا می‌گوید که کسی در مواجهه با اندیشه و فکر دیگری، نباید سر ناسازگاری با علم داشته باشد.^۳ و نهایتاً ملتها را از راه مبادلات عادلانه علمی می‌توانند به صلح و تفاهم بین‌المللی کمک کنند و فرهنگ سرزمین خود را بارور کنند.^۴

۱. همو، دائرةالمعارف حقوقی، ج ۱، پیشین، ص ۱۰۱

۲. همان، ص ۱۴.

۳. همان، ص ۱۵.

۴. همان، ج ۵، ص ۵.

استاد جعفری لنگرودی با خلق نزدیک به یکصد اثر علمی فاخر در پی طراحی نظام حقوقی و نظام‌سازی مبتنی بر اندیشه منظومه‌ای است. عناصری همچون حاکمیت الهی، پیوند وثیق حقوق و دین، حقوق و اخلاق، وحدت علمی، بی‌طرفی علمی، اجتهاد حقوقی، تفسیر حقوق در پرتو مبانی، تفاهم ملت‌ها، جامعیت، نوآوری، پرهیز از التقاط، نگاه به آینده، عقلانیت و عدالت‌خواهی مؤلفه‌های بنیادین نظام‌سازی حقوقی استاد جعفری لنگرودی را تشکیل می‌دهند.

او با تکیه بر این مؤلفه‌ها، در طراحی نظام حقوقی، خویش را رها از پیشینه حقوق کشور نمی‌داند و لذا یکی از اولین آثار خود را به «تاریخ حقوق ایران» اختصاص می‌دهد. او ضمن احترام و استفاده از اصول لفظی و معنوی موجود در نظام حقوقی، با توجه به اختلافات موجود میان قوانین جدید و قواعد حاکم بر «فقه» و همچنین ضرورت رعایت مصالح اجتماعی در تفسیر قوانین، از دستگاه استدلالی موجود برای رسیدن به نتیجه مطلوب و آینده‌گرا - نه هر نتیجه‌ای که حاصل شود - بهره‌برداری می‌کند. وی از جهت آرا و اندیشه و هم ابزار و منطق استنباطی دارای سبک و سیاق و بلکه اعتقاد مختص به خود است.

او در عرصه حقوق همچون مجتهدی جامع شرایط، فتوا صادر می‌کند و در استفاده از فن استدلال و ابزار استنباطی نیز دست به اجتهاد می‌زند که «فرهنگ عناصرشناسی» به تنهایی خود دلیل روشنی بر این ادعا است.

استاد جعفری لنگرودی، سامانه استدلالی تازه‌ای برای استنباط احکام حقوقی پیشنهاد می‌کند که حاوی «انکار» برخی از ابزارهای استنباطی فقه سنتی و تأیید و تأکید برخی از ابزارهای فرا اصولی است. اجتهاد شخصی در برخی مسائل حقوقی به ویژه موضوع‌شناسی و روش استدلالی و استنباطی منحصر به فرد باعث می‌شود که به حق او را در «تارک علم» دید و او را بنیان‌گذار نظام حقوقی نوینی نامید آن‌چنان که پیوست «مجموعه محشی قانون مدنی» خود گواه روشنی بر این ادعا است.

منابع و مأخذ:

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۳۱)، اصول فلسفی حقوق، تهران، گنج دانش.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۳۱)، تاریخ حقوق ایران، تهران، کانون معرفت.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۶۳)، دائرة المعارف علوم اسلامی قضائی، تهران، گنج دانش.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۶۸)، تاریخ معتزله: فلسفه فرهنگ اسلام، تهران، گنج دانش.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۰)، حقوق مدنی: رهن و صلح، تهران، گنج دانش.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۰)، حقوق مدنی: وصیت، تهران، گنج دانش.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۳)، حقوق اموال، چاپ سوم، تهران، گنج دانش.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۶)، دائرة المعارف حقوقی: دانشنامه حقوقی، جلد اول و پنجم، چاپ چهارم، تهران، گنج دانش.
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۹)، مجموعه محشی قانون مدنی، تهران، گنج دانش.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۰)، ترمینولوژی حقوق، چاپ یازدهم، تهران، گنج دانش.
۱۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۰)، فلسفه حقوق مدنی، جلد دوم، تهران، گنج دانش.
۱۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۱)، فلسفه عمومی حقوق بر پایه اصالت عمل: تئوری موازنه، تهران، گنج دانش.
۱۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۲)، فرهنگ عناصرشناسی، تهران، گنج دانش.
۱۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۲)، فلسفه اعلی در علم حقوق، تهران، گنج دانش.
۱۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۲)، فن استدلال: منطق حقوق اسلام، تهران، گنج دانش.
۱۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۲)، مقدمه عمومی علم حقوق، چاپ نهم، تهران، گنج دانش.
۱۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۲)، مکتبهای حقوقی در حقوق اسلام، چاپ سوم، تهران، گنج دانش.
۱۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۴)، الفارق: دائرة المعارف عمومی حقوق، جلد پنجم، تهران، گنج دانش.
۲۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۴)، مسائل منطق حقوق و منطق موازنه، تهران، گنج دانش.
۲۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۶)، الفارق: دائرة المعارف عمومی حقوق، جلد چهارم، تهران، گنج دانش.

۲۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۷)، تأثیر اراده در حقوق مدنی، تهران، گنج دانش.
۲۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۸)، دائرة المعارف حقوق مدنی و تجارت: حقوق تعهدات، عقود و ایقاعات، تهران، گنج دانش.
۲۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۹)، حقوق تعهدات، تهران، گنج دانش.
۲۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۰)، حقوق ثبت، تهران، گنج دانش.
۲۶. قنبری، محمد رضا، (۱۳۸۶)، بر تارک علم: شرح زندگانی، افکار و آثار استاد محمدجعفر جعفری لنگرودی، تهران، گنج دانش.

Components of the legal system in the intellectual system of Jafari Langarudi

Ibrahim Mousazadeh^۱
Gholamhossein Elham^۲

Abstract

Those who are in the science world are always thinking of establishing an intellectual system. The intellectual system of Jafari Langarudi is founded based on his more than ۸۰-year experience in research, writing, judgment, and teaching law at the university. He is one of the academic and legal characters trying to redesign and reconstruct the legal system of Iran. He began from monotheism lecture and reached the philosophical principles of law writing more than ۵۰ scientific works. When he was abroad, his age and distance from academic tasks could not stop him from publishing works related to the "philosophy of Islam culture" and "survival secret of Iran". Professor Jafari Langarudi tried to complete the legal system of Iran by publishing about ۱۰۰ scientific books. He designed a legal system in which some concepts and components including "rationality", "looking to the future", "comprehensiveness", "justice-seeking", and "legal ijtehad" are highly interconnected.

Keywords: Professor Jafari Langarudi, Innovation, Justice, Legal Originality, Legal Systemization



۱. Associate Professor of Law and Political Sciences, University of Tehran
۲. Professor of Law and Political Sciences, University of Tehran